



جنبش حمایت از مبارزات ملت ایران
MOVEMENT TO SUPPORT FREEDOM IN IRAN

سراپا ایرانی



کیا کیامهر

عضو انجمن قومی روزنامه‌نگاران و نویسندگان آمریکای شمالی

دختر و پسر و پیر و جوان ایرانی در دو سال گذشته با جانفشانی‌ها و رشادت‌های خود ثابت کرده‌اند که توان ایجاد یک نظام مبتنی بر جدایی دین از حکومت و دموکراسی لیبرال متکی بر بیانیه جهانی حقوق بشر را دارند و برای رسیدن به این خواسته طی 32 سال مبارزه مخصوصاً در این دو سال از جان و مال زندگی خود گذشتند. ولی پایبندی کسانی در داخل به نظام جمهوری اسلامی که خود را رهبران جنبش می‌نامند، باعث گردیده تا این جانفشانی‌ها تاکنون به ثمر نرسد. بیش از پنج میلیون ایرانی در بدر در کشورهای مختلف جهان در صورتیکه به دو اصل سرنگونی رژیم و تعیین نوع نظام در یک فراندوم و فرایندی آزاد و تحت نظارت سازمان‌های جهانی که پس از سرنگونی رژیم محقق گردد پایبند باشند می‌تواند با ایجاد یک صدای واحد در تظاهراتی که سراسر جهان را در برگیرد به کمک این زنان و مردان شجاع ایران بشتابند. در زمانیکه بدلیل سرکوب و زندان و شکنجه و اعدام، حرکت‌های اعتراضی در ایران فرو می‌افتد این قدرت بزرگ در خارج با سازماندهی منسجم خواهد توانست ضمن رساندن صدای مبارزان ایرانی به گوش جهانیان این فرصت را از رژیم بگیرد تا بتواند خود را بازسازی و مسلط به اوضاع نشان دهد. انعکاس این فریاد بلند و یکصدای خارج از ایران خواهد توانست دوباره موجی از هیجان و امید را دل جوانان درون مرز برای حرکتی دوباره ایجاد نماید.

مدتی است که نشریات معتبر جهان به الگوی ترکیه در مورد خاورمیانه پرداخته‌اند و حرکت اعتراضی در مثلاً مصر را الهام گرفته از سیستم حکومتی ترکیه می‌دانند. آنان بر این باورند که الگوی اسلامی ایران شکست خورده و کشورهای منطقه خاورمیانه بدنبال الگوبرداری از ترکیه و حکومت مذهبیون سکولار هستند.

اگر این فرضیه در مورد مصر یا تونس و یا حتی کشورهای دیگری که در آینده رژیم‌هایشان دچار فروپاشی می‌گردد صدق بکند و این روش حکومتی بتواند برای آنان سیستم مناسبی تلقی گردد



جنبش حمایت از مبارزات ملت ایران
MOVEMENT TO SUPPORT FREEDOM IN IRAN

این سوال مطرح می‌شود که آیا در ایران نیز باید بدنبال چنین سیستمی باشیم و مثلاً گروه‌های ملی مذهبی مجری این طرح در کشورمان گردند و اصولاً تفاوتی بین ملت ایران و کشورهای همجوار از لحاظ فرهنگی وجود دارد و امکاناتی که در اختیار ملت ایران است در بقیه کشورهای خاورمیانه نیز وجود دارد یا نه؟ اصولاً حق هر ملتی است تا به رنسانس بیندیشد. دکتر شریعتی در دورانی که در حسینیه ارشاد نظریه اسلام مترقی را تبلیغ می‌کرد از آن بعنوان رنسانس ملت مسلمان یاد می‌کرد. او تلاش داشت با آرایش چهره اسلام آن را بهترین الگوی زندگی زن و مرد و پیر و جوان ایرانی معرفی کند و در مقابل مکتب مارکسیسم و ناسیونالیسم از اسلام چهره‌ای ضدامپریالیستی و در عین حال عملگرا که توان پاسخگویی به همه نیازهای بشری را دارد به تصویر کشد و با تسلطش به ادبیات و مهارتش در سخنرانی به این خواسته خود رسید و بی‌جهت نبود که وی را معلم انقلاب نامیدند و کتاب‌ها و نوارهایش نه تنها در ایران که در عراق و افغانستان و حتا در بین اهالی بحرین در سطح گسترده توزیع می‌شد و توانسته بود بر جوامع اسلامی تأثیر بسزایی بگذارد. نتیجه این مانیفست اسلامی ایجاد یک حکومت سرکوبگر توتالیتر مذهبی شد که سی و دو سال آثار ویرانگر آن بر ایران و حتا منطقه بوضوح دیده می‌شود. هر ملتی مایل است تا افتخارات تاریخی گذشته خود را بازسازی و کسب نماید.

با مقایسه ایران و کشورهای همسایه در خاورمیانه و شمال آفریقا می‌توان تفاوت‌های ماهوی به این بازگشت را مورد بررسی و کنکاش قرار داد و آنگاه پی خواهیم برد که الگوی ترکیه نه تنها برای ایران مناسب نیست بلکه سدی خواهد شد تا مانع پیشرفت و توسعه میهمانان گردد. اگر برای ملت ترکیه بزرگترین آرزو و افتخار اینست که دوباره امپراتوری بزرگ اسلامی عثمانی را بازسازی و تولید نماید و بازگشت به گذشته پرافتخار ملت ترکیه اصولاً نمی‌تواند چیزی جز رویای امپراطوری اسلامی باشد و آنان خود را لایق ایجاد این امپراطوری می‌دانند و بر این باورند که در صورتیکه آرزوی آنان محقق گردد یک قدرت بزرگ اسلامی در مقابل قدرت‌های بزرگ جهان به سرکردگی آن ایجاد خواهد شد پس برای آنان یک حکومت اسلامی و گسترش آن می‌تواند بزرگترین رنسانس باشد و درغیراینصورت تکیه‌گاهی بجز اسلام و آنهم امپراطوری عثمانی وجود ندارد. مصر نیز بعد از آنکه عرب زبان شد و از تاریخ خود منقطع گردید و در جرگه کشورهای اسلامی عربی قرار گرفت نخواهد توانست به چیزی جز یک حکومت ملایم اسلامی از نوع ترکیه بیندیشد و می‌بینیم که بعضی از رهبران اخوان المسلمین ضمن برائت از مدل انقلاب اسلامی ایران الگوی ترکیه را مدنظر دارد و در تکاپوی ایجاد سیستمی همچون ترکیه می‌باشد و احتمالاً غرب نیز از آن حمایت می‌کند. عراق نیز در ایده‌آل‌ترین شرایط همچنانکه صدام قادسیه دوم را تبلیغ می‌کرد نهایت آرزوی خود را ایجاد دوباره خلافت اسلامی در مرکز بغداد می‌جوید و اندیشمندان نمی‌توانند بدون اسلام در



جنبش حمایت از مبارزات ملت ایران
MOVEMENT TO SUPPORT FREEDOM IN IRAN

جستجوی تکیه‌گاه دیگری باشند. برای عربستان و کشورهای جنوب خلیج فارس نیز که با ظهور اسلام توانستند از بربریت رهایی یابند و هر چه آنان پس از اسلام قوی شدند و جهانگشائی کردند و ایرانیان پس از سلطه اعراب ضعیف و کوچک شدند نیز بازگشت به گذشته‌شان بازگشت به بربریت و بیابانگردیست.

در شرق کشورمان نیز پاکستان که اصولاً با هویت اسلامی استقلال یافت و خود را پاک‌های مسلمان نامیدند جدا شدن از این هویت اسلامی پذیرفتن ادغام دوباره در هند می‌باشد و اصولاً با اسلام هویتی مستقل یافته‌اند.

در ایران اما برای بازسازی هویت تاریخی‌مان تنها کشوری هستیم که همه ابزار آنرا دارا می‌باشیم و تا پیش از تسلط اسلام بعنوان ملتی بزرگ با فرهنگی معتبر و همچنین دارای سیستم مدنی و زندگی شهری بودیم. فقط کافی است به لوح منشور کوروش هخامنشی نگاهی بیندازیم و ایده‌های مردم سالاری و تولرانس و حتا حقوق برابر با اقوام را در آن مشاهده کنیم با آنکه نظام‌های آینده ایران قطعاً نظامی سکولار و جدایی دینی از حکومت است ولی با فرض اینکه جوامع نیاز به دین دارد و از ابزار دین می‌یابد روابط اخلاقی جامعه را سر و سامان داد نیز بازگشت به هویت ایرانی باز هم با دست پر این امکان را به ایرانیان خواهد داد که دینی ایرانی و براساس تفکر و سه شعار محوری گفتار نیک، پندار نیک و کردار نیک را ترویج نمایند که در این بازگشت پاسخگو خواهد بود.

برای ملت‌ها لحظات تاریخی که بتوانند سرنوشت خود را تغییر اساسی داده و از دور تسلسل، خشونت و دروغ و ریا نجات یابند بسیار اندک ایجاد می‌گردد. حکومت سی و دو ساله اسلامی این فرصت بزرگ را در اختیار ایرانیان قرار داده است. خطرناکتر از سرکوب‌های وحشیانه رژیم آنجایی است که به جوانان در ایران رهنمود دهیم تا برای مبارزه با این رژیم در پشت‌بام‌ها الله اکبر بگویند و در تاسوعا و عاشورا بیاد حسین به جنگ نابرابری بروند. تاریخ ما لبریز از قهرمانان ایرانی و میهن پرستی است که می‌باید آنان را جایگزین چنین الگوهایی کنیم. در صورتیکه ملت ایران از این فرصت بزرگ و تاریخی نتوانند به درستی بهره جویند پس از گذشت چند دهه از جنایات رژیم اسلامی و فراموشی نسل‌های بعدی از این جنایات، این تشکیلات به بازسازی خود خواهد پرداخت و ضربات بعدی را با قدرت بیشتری به میهنمان وارد خواهد کرد. ذکر نکته‌ای از احمد کسروی در این مقاله می‌تواند تلنگری برای اندیشمندان باشد. ملت ایران یک حکومت به آخوندها و دین بدهکار است. هر چه دیرتر این بدهی را پرداخت کند صدمات آن دردناک‌تر و ویرانگرتر است (نقل به مضمون).



جنبش حمایت از مبارزات ملت ایران
MOVEMENT TO SUPPORT FREEDOM IN IRAN

ما ایرانیان این توانایی و گنج‌های ارزشمند فرهنگی و تاریخی و ... را داریم که جامعه‌ای مترقی براساس دستاوردهای ایرانی بپا داریم. در لحظاتی که این مقاله را می‌نوشتم خبری از طریق سایتی بنام محرمانه نیوز منتشر گردید که سیدحسین موسوی از خامنه‌ای تقاضای دیدار کرده و در مورد احتمال سقوط نظام هشدار داده و خواسته است که با وی مشورت کند (این خبر از طریق منابع دیگری تأیید نشده) در صورت صحت نه تنها این موضوع ضربه‌ای به مبارزات آزادی‌خواهانه ملت ایران نخواهد زد بلکه برای رهایی کامل ملت از چنگال این رژیم خبر مسرت بخشی نیز خواهد بود.